



اصالت سنجی

خلاصه انگلیسی این مقاله با عنوان:
Test of the theoretical approach of
mixed dynamics as an alternative
approach in urban planning
در همین شماره به چاپ رسیده است.

شهرسازی ایران، دوره ۲، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صفحه ۲۴-۳۶

مناسبت سنجی رهیافت نظری پویا به عنوان رهیافتی جایگزین در برنامه ریزی شهرها

مهسا نجار صادقی*

حمید ماجدی

کارشناسی ارشد برنامه ریزی منطقه‌ای، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
استاد، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده: استراتژی مورد استفاده در برنامه ریزی شهری تاثیر مستقیمی بر کارایی طرح و دستیابی هرچه بیشتر به اهداف دارد و اگر عدم کفایت برنامه‌های شهری به دلیل انتخاب نادرست رهیافت در مرحله تصمیم سازی باشد، با وجود دقت کافی در مراحل اجرای طرح، ناگزیر به تغییر رویکرد برای رسیدن به کارایی لازم هستیم. تحقق پذیری پائین برنامه‌های شهری مبتنی بر رهیافت‌های سنتی جامع و روی آوردن تصمیم گیرندگان به رهیافت عملیاتی اندک افزا ضرورت سنجش دیدگاه‌های نظری برنامه ریزی با نیت رفع نقایص این دو رهیافت را آشکار ساخته است. به عقیده بسیاری از صاحب نظران مبنی بر کامل نبودن هیچ یک از رهیافت‌های برنامه ریزی به تنهایی، در دنیای واقعی بیشتر از ترکیب شیوه‌های مختلف برنامه ریزی، شامل عناصری از برنامه ریزی جامع_عقلانی، اندک افزا و وکالتی استفاده می‌شود تا تنها یک شیوه. اختلاط متوازن میان رهیافت اندک افزا و عقل گرا حاصلی به نام پویا مختلط دارد، اختلاطی که در حقیقت مصالحه‌ای بین دو رویکرد قبلی است که با ترکیب عناصری از آن دو رهیافت در پی همپوشانی نقایص است. در این پژوهش با بهره جویی از شیوه توصیفی تحلیلی و هدف آشکار ساختن ضرورت بازنگری در رهیافت‌های پیشین و همچنین پاسخ به مناسبت رهیافت پویا مختلط به عنوان رهیافتی جایگزین برای برنامه ریزی توسعه شهرها به شرح ابعاد مختلف این رویکردها پرداخته شده است. در انتها بررسی الزامات و امکانات اجرای صحیح رهیافت پویا مختلط، گویای مناسبت این رهیافت جهت جایگزینی و استفاده در برنامه ریزی شهرهاست.

واژگان کلیدی: برنامه ریزی، رهیافت نظری، جامع عقلایی، اندک افزا، پویا مختلط

*مسئول مکاتبات: nj.mahsasadeghi@gmail.com

۱- مقدمه

برخوردار نباشد، با انجام هر چند دقیق و کامل گام‌های مختلف برنامه نیز، دستیابی به سطح عملکرد دلخواه، میسر نخواهد شد و مادامی که در انتخاب روش، بازنگری انجام نگردد این نقصان پایدار خواهد بود. عدم کفایت برنامه‌های توسعه شهری (مبتنی بر رهیافت‌های

تاثیر بکارگیری منطبق‌ترین رهیافت با نوع برنامه ریزی در بازدهی آن برنامه و دستیابی هرچه بیشتر به اهداف بر کسی پوشیده نیست. چنانچه استراتژی مورد استفاده برای برنامه ریزی از کارایی لازم

نادیده انگاشتن و نمادین بودن این مفهوم در فرآیند برنامه‌ریزی همگی نشان از آن دارد که گرایش روزافزون به تغییر بنیادی در رهیافت‌های برنامه‌ریزی بدون تحول کافی در دیدگاه‌های نظری صورت گرفته و تغییر رویکرد در برنامه‌ها بیش از اندازه شتابزده اتفاق افتاده است. بر همین اساس، پیش بینی‌ها نیز گواه بر آن بوده که این برنامه‌ها یا اساساً اجرا نشده باقی خواهند ماند، یا تغییر ماهیت داده و یا از منظر هزینه-فایده اجتماعی اقتصادی جای مناقشه خواهد داشت (رئیس دانا، ۱۳۸۸)؛ کما اینکه نمود اجرایی نشدن این شیوه از برنامه‌ریزی را میتوان در روی آوردن به سیستم رهیافت‌های تصمیم‌گیری بر اساس برنامه‌ریزی اندک افزا، ناشی از دخالت متغیرهای ضد برنامه‌ریزان شرایط سیاسی و اجتماعی، کمبود متخصصان حرفه‌ای در بدنه برنامه‌ریزی و نگرش منفی نسبت به ضرورت برنامه‌ریزی (Ben-Zadok, 1985) جستجو کرد.

در ادامه مقایسه اصول کاربستی رهیافت‌های برنامه‌ریزی مورد استفاده در ایران نشان‌دهنده تغییر ماهیت و وجود ابهام و اختلاط در دیدگاه‌های نظری و روش‌شناختی به کار رفته در تهیه برنامه است. این امر سبب شده تا به عنوان نمونه برنامه‌های راهبردی-ساختاری همان برنامه جامع به نظر آیند که تنها در عنوان و سلیقه تهیه‌کنندگان و تصویب‌کنندگان آن تغییر یافته است.

برای مقابله با این مشکلات، در چارچوب الزامات ساختاری و زمینه‌ای برنامه‌ریزی توسعه شهرها، راهکارهای مختلفی آزموده شده که هر یک شامل تبعاتی است و پذیرش آن دارای کاستی‌ها و مشکلاتی خواهد بود. تداوم برنامه‌ریزی به شیوه‌های جامع-عقلانی، راهبردی و یا پذیرش رهیافت‌های محافظه کارانه اندک افزا از کفایت و کارآمدی

سنتی جامع) ایران در دستیابی به اهداف، هدایت توسعه و مهار دگرگونی‌های شهر و همچنین ناکافی بودن "عقلانیت کارکردی" آن، لزوم تفکر در مورد تغییر بنیادی رهیافت‌های تهیه برنامه را بر اکثریت صاحب نظران برنامه‌ریزی شهری آشکار ساخته است. لیکن انتقاد از رویکردهای تهیه برنامه بدون بحثی شفاف و گویا در مورد پایه‌های نظری و مشکلات کاربردی آن، تنها منجر به تغییراتی صوری و ظاهری و نه محتوایی، از جمله تغییر عنوان "طرح جامع" به "طرح‌های توسعه و عمران و حوزه و نفوذ" یا "ساماندهی"، شده است. همچنین تعیین دستورکارهای جدیدی چون برنامه‌ریزی راهبردی-ساختاری گرچه با هدف ایجاد تغییرات بنیادی در محتوای برنامه‌ها و نیت رفع کاستی‌ها و چالش‌های الگوواره‌های جامع سنتی (حبیب‌اللهیان، ۱۳۸۵) انجام شده، لیکن ناهمخوانی میان الزامات ساختاری و نهادی این رهیافت با ویژگی‌های زمینه‌ای و شرایط سیستم برنامه‌ریزی توسعه شهر در ایران و همچنین برداشت و یا به کارگیری نادرست اصول برنامه‌ریزی راهبردی، موجب ناکارآمدی برنامه در دستیابی به اهداف و محدود شدن آن صرفاً تحت یک عنوان در شرح خدمات وزارت راه و شهرسازی شده است. مناسبت شیوه راهبردی برنامه‌ریزی برای توسعه شهر، به دلیل نداشتن اشتراک با برنامه‌های سنتی جامع، در گرو برآورده شدن دستورکاری برای ایجاد تغییرات نهادی از جمله پیشگیری از انحصاری شدن اطلاعات توسط گروه‌های قدرت با تاکید بر عقلانیت ارتباطی و همچنین واگذاری قدرت از سطوح مرکزی به سطوح محلی، به عنوان پیش شرط‌های اصلی برآورده شدن برنامه دانسته شده است (Friedmann, 1973)؛ اما اهمیت بسزای نقش مسئولان دولتی در فرآیند تصمیم‌گیری، تمرکز تصویب در نهادهای ملی و نفوذ مطلق بخش دولتی در امر تهیه برنامه و در نتیجه نبود ساز و کار تعریف شده و مورد قبول عرصه‌های عمومی برای مشارکت و یا

و در نهایت عمومی ترین ترکیب مورد استفاده، ترکیب برنامه‌ریزی اندک‌افزا و عقلانی است (Kaufman, 1979). یک رویکرد سوم در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی که ترکیبی از عناصر هر دو رویکرد پیشین است، نه به عنوان تخیلی در فرضیه‌ها مثل مدل اول، و نه محافظه‌کار مثل رویکرد دوم. به دلایلی که آشکار خواهد شد، این سومین رویکرد به عنوان پویا و مختلف معرفی شده است (Etzioni, 1967). در روش‌شناسی‌های برنامه‌ریزی می‌توان از شیوه‌های مختلف ترکیب رهیافت‌های اندک‌افزا و عقلگرایی استفاده کرد؛ اختلاط متوازن مانند پویا و مختلط و یا اختلاط سوگیری شده به سمت اندک‌افزایی یا به سمت عقلگرایی. این رهیافت، به عنوان ویرایش تکامل یافته برنامه‌ریزی جامع-عقلانی (Rosenhead, 1980). بر آن است تا مدل جامع-عقلانی برنامه‌ریزی را برای انطباق هرچه بیشتر با "واقعیت سیاسی" و کاستی‌های عقلانیت انسانی جرح و تعدیل کند (Grabow & Heskin, 1973).

مدل منطقی

مدل‌های منطقی به طور گسترده‌ای تصوراتی درباره اینکه تصمیم‌ها چگونه اند و چگونه باید گرفته شوند در بر دارند. یک تصمیم‌ساز از مشکل آگاه می‌شود، هدفی را تعیین می‌کند، راه‌های پیشنهادی را به دقت می‌سنجد و با توجه به ارزیابی‌اش از شایستگی‌های آنها و با توجه به وضعیتی که ترجیح می‌دهد، از میان آنها انتخاب می‌کند. افزون بر این، این رویکرد بر تفاوت بین الزامات مدل و ظرفیت تصمیم‌گیرندگان تمرکز می‌کند. اغلب مراکز تصمیم‌گیری اجتماعی، فاقد مجموعه‌ای از ارزش‌های توافق شده‌ای هستند که می‌توانند معیارهای ارزیابی گزینه را ارائه دهند. ارزش‌ها نسبتاً سیال و تحت تأثیر هستند و از تصمیمات نیز تأثیر می‌پذیرند. علاوه بر این، در عمل واقعی، فرض منطقی که ارزش‌ها و

لازم برخوردار نیستند. از سویی حذف و کنار گذاشتن یکباره رهیافت سنتی جامع-عقلانی علاوه بر صرف هزینه‌ها و مطالعات بسیار منجر به نادیده گرفتن گرایش آشکار و نهان و همسویی بیشتر ویژگی‌های زمینه‌ای این رهیافت با سیستم برنامه‌ریزی توسعه شهرها در ایران است. بلکه باید از آن به عنوان "چارچوب مرجع هنجارین، ساختار و چشم انداز ایده آل، که دآوری‌ها بر مبنای آن صورت می‌پذیرد و نظریه‌های عملیاتی از آن نشات می‌گیرند" (Chadwick, 1971)، استفاده شود. تمام آنچه بیان شد موجب شده تا این پژوهش با هدف روشن ساختن ضرورت بازنگری در رهیافت‌های پیشین و همچنین یافتن پاسخی برای مناسبت رهیافت پویا و مختلط به عنوان رهیافتی جایگزین برای برنامه‌ریزی توسعه شهرها انجام گردد.

۲- مبانی نظری

گرچه استفاده از یک رهیافت خالص برنامه‌ریزی از دقت بیشتری برخوردار است، اما به باور بسیاری از صاحب نظران مبنی بر کامل نبودن هیچ یک از رهیافت‌های برنامه‌ریزی به تنهایی، در دنیای واقعی بیشتر از ترکیب شیوه‌های مختلف برنامه‌ریزی، شامل عناصری از برنامه‌ریزی جامع-عقلانی، اندک‌افزا، وکالتی و حتی داد و ستد مابانه استفاده می‌شود تا تنها یک شیوه (Kaufman, 1979). سه مفهوم تصمیم‌گیری، در اینجا با فرضیه‌هایی که به انتخاب‌های آگاهانه تصمیم‌گیرندگان اهمیت می‌دهند مطرح می‌شوند.

مدل‌های منطقی تمایل دارند تا سطح بالایی از کنترل تصمیم‌گیری را در مورد تصمیم‌گیرنده اعمال کنند. اندک‌افزایی به دنبال استراتژی‌های تصمیم‌گیری برای انطباق با ظرفیت شناختی محدود تصمیم‌گیرندگان و کاهش دامنه هزینه جمع‌آوری و محاسبه اطلاعات است.

اندک افزایشی به دنبال استراتژی‌های تصمیم‌گیری برای انطباق با ظرفیت شناختی محدود تصمیم‌گیرندگان و کاهش دامنه هزینه جمع‌آوری و محاسبه اطلاعات است. لیندبوم ۶ الزام اولیه مدل را به این ترتیب خلاصه می‌کند:

۱. به جای تلاش برای بررسی جامع و ارزیابی تمام گزینه‌ها، تصمیم‌گیرنده تنها بر آن دسته از سیاست‌هایی تمرکز دارد که از نظر سیاست‌های موجود به طور فزاینده‌ای متفاوت است.
۲. فقط تعداد کمی از گزینه‌های سیاست‌گذاری در نظر گرفته می‌شوند.
۳. برای هر گزینه سیاست‌گذاری تنها تعداد محدودی از پیام‌های "مهم" مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.
۴. مشکلی که تصمیم‌گیرنده با آن مواجه است، به طور مداوم تعریف شده است: اندک افزایشی به بشمار تنظیمات ابزار_پایان، پایان_ابزار اجازه می‌دهد، که مشکل را قابل مدیریت سازند.
۵. بنابراین هیچ تصمیم یا راه‌حل "درستی" وجود ندارد، بلکه یکسری "حملات بی‌وقفه" بر روی مسائل موجود، با تجزیه و تحلیل و ارزیابی دوره‌ای وجود دارد.
۶. به این ترتیب تصمیم‌گیری افزایشی به عنوان اصلاحیه‌ای توصیف می‌شود که بیشتر به کاهش نگرانی‌های فعلی، به خصوص نسبت به ارتقا و اهداف اجتماعی آینده می‌پردازد. (Etzioni, 1967)

پویا مختلط

برنامه‌ریزی جامع و عقلایی به طور کامل دست‌نیافتنی است. از طرفی روش اندک افزایشی، به

واقعیت‌ها، روش و اهداف را بتوان به وضوح مشخص کرد به نظر نمی‌رسد. تصمیم‌گیرندگان نه سرمایه و نه زمانی برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز برای انتخاب منطقی ندارند. در حالی که دانش فناوری، به ویژه رایانه، در جمع‌آوری و پردازش اطلاعات کمک می‌کند، نمی‌تواند محاسبات مورد نیاز مدل منطقی را فراهم کند. در نهایت، به جای اینکه با یک جهان محدود از عواقب مربوطه مواجه شویم، تصمیم‌گیرندگان با یک سیستم باز از متغیرها برخورد می‌کنند، جهانی که در آن تمام عواقب نمی‌توانند مورد بررسی قرار گیرند. یک تصمیم‌گیرنده که سعی در پیروی از اصول مدل عقلایی دارد، ناامید خواهد شد که منابعش بدون تبدیل به تصمیم (نتیجه) و بدون مدل موثر تصمیم‌گیری برای هدایت او باقی می‌مانند. بنابراین مدل‌های منطقی به علت غیر واقعی و نامطلوب بودن رد می‌شوند. (Etzioni, 1967)

رویکرد افزایشی (اندک افزا)

یک مدل آسان‌تر در تصمیم‌گیری که در استراتژی "افزایشی از هم گسیخته" که توسط چارلز لیندبوم^۱ مطرح شده است. تفکر پایه اندک افزایشی بسیار ساده و عبارت از این است که، سیاست‌ها هربار از نو ساخته نمی‌شوند، بلکه به سیاست‌های موجود و چیره، افزوده‌های اندکی وارد می‌شود. به دلیل آن که انتخاب‌ها توسط تلقیات عمل باورانه در قید قرار دارند، نه حیطه گسترده‌ای از راهبردهای گزینه تولید می‌شود و نه به طور کلی در اندک افزایشی به عمل ارزش‌گذاری پرداخته می‌شود. بنابراین پیامدها، ارزش‌گذاری نشده و فرض بر این است که در صورت مخالفت با سیاست‌های اندک افزا، هزینه‌های سیاسی یا اقتصادی اندکی برای وارد آوردن تغییرات صرف خواهد شد. لیندبوم تصمیم‌گیری در چنین شرایطی را نوعی پیش‌روی گام به گام می‌داند که می‌توان آن را خریدن به سمت آینده و به سمت ناشناخته‌ها توصیف کرد.

^۱ Charles E. Lindblom

کنش دائمی با یکدیگر بسر می‌برند. مراحل مختلف فرآیند پوییش مختلط در سه سطح راهبردی و اجرا و پس از اجرا به شرح ادامه برای اولین بار توسط اتزیونی معرفی شد (Etzioni, 1986): سطح راهبردی ابتدا کلیه گزینه‌های ممکن که به ذهن تصمیم‌گیرندگان و تصمیم‌سازان خطور می‌کند به صورت مجموعه ای از اختیاراتی ممکن در طول زمان فهرست می‌شوند. پس از آزمون اولیه گزینه‌ها به صورت اجمالی آنهایی که دارای ایرادات کاربردی و ایرادات هنجارین و ایرادات سیاسی هستند از فهرست خارج می‌شوند. عمل حذف گزینه‌های ایراددار در سطح تفصیل بیشتر از گام قبل تکرار می‌شود و این کار تا آنجا ادامه می‌یابد که تنها یک گزینه باقی مانده، یا از میان گزینه‌های باقی مانده یکی به طور تصادفی انتخاب شود. سطح پیش از اجرا به عنوان یک قاعده اجرایی عملیات اجرا در صورت امکان به چند گام پیاپی تقسیم می‌شود. هر کجا امکان‌پذیر است به عنوان یک قاعده سیاسی پروگرام‌های اجرا به چندین گام پیاپی تقسیم می‌شوند. مراحل اجرایی به شیوه‌ای مرتب می‌شوند که تصمیم‌های کم‌هزینه‌تر در مراحل اولیه و تصمیم‌های پرهزینه و یا با قابلیت بازگشت سرمایه کمتر در مراحل بعدی فرآیند ظاهر شوند. همچنین برای گردآوری و پردازش بیشتر اطلاعات یک برنامه زمان‌بندی فراهم می‌شود تا اطلاعات مورد نیاز در مواقع حیاتی تصمیم‌گیری مهیا باشند، ولی تاخیرات "پیش‌بینی نشده" در مهیا بودن این درون دادها در نظر گرفته می‌شود. پوییش جامع زمانی انجام می‌شود که پیش از رویارویی با نقاط حیاتی در عملیات تصمیم‌گیری چنین اطلاعاتی آماده شوند. سطح بازبینی پس از اجرای اولین زیرمجموعه از افزوده‌ها یک پوییش نیمه جامع انجام می‌شود و در صورت کارآمدی افزوده‌ها همچنان این پوییش نیمه جامع با فاصله‌های زمانی طولانی‌تر و بازبینی کامل و کلی ادامه می‌یابد. در صورتی که

همان اندازه در ارائه پاسخ به مشکلاتی که رویه قبلی نیز با آن روبه‌رو بود، ناتوان است. این روش هرگز به عنوان گزینه‌ای واقعی در برابر برنامه‌ریزی جامع و عقلایی پذیرفته نشد. از طرف دیگر، ایده برنامه‌ریزی جامع نیز به طور کلی ترک نشد. در این میان رویکرد سومی نیاز بود. این نیاز با صورت‌بندی اتزیونی^۱ تحت عنوان رویکرد پوییش مختلط برآورده شد، که در حقیقت مصالحه‌ای بین دو رویکرد قبلی به شمار میرفت. از دید نظریه‌پردازان برنامه‌ریزی، رویکرد اتزیونی یکی از مهم‌ترین وقایعی است، که در آن سال‌ها در حوزه نظریه‌پردازی به وقوع پیوست. پوییش مختلط، طبق نظر اتزیونی، ترکیبی است از عقل‌گرایی و روش افزایشی. از نظر وی رویکرد مذکور در قیاس با رویکردهای قبلی نقاط برتری زیادی دارد: در عین حال که همانند خردگرایی چندان دقیق و آرمان‌گرانه و غیرواقع‌بینانه نیست، در همان حال به مانند روش اندک‌افزایی، رویکردی محدود، کوتاه‌بینانه، محافظه‌کارانه، غیرابتکاری و خودمدار اختیار نمی‌کند. این استراتژی عناصری از دو رویکرد پیشین وام گرفته، به طوری که نقایص آن دو را با این ترکیب کاهش می‌دهد. رویکرد سوم (پوییش مختلط)، منعطف‌تر و واقع‌بینانه‌تر است. (اسدی و همکاران، ۱۳۸۹)

برنامه‌ریزی پوییش مختلط طی چند دهه‌ای که از عمر آن می‌گذرد همواره متاثر از چارچوب‌های شناخت‌شناسی و نظریه‌های مختلف مانند نظریه کنش ارتباطی بوده و تا به امروز تحولاتی را در راستای تکامل و ناشی از کاربست‌های مختلف رهیافت در نقاط جهان با ساختارهای سازمانی و فلسفه‌های حکومتی متفاوت دیده است که بخش قابل ملاحظه‌ای از آن به تشریح برنامه‌های عملیاتی رهیافت به عنوان راهنمای تصمیم‌گیرندگان بازمی‌گردد. چرا که برنامه‌ریزی یک فعالیت تجویزی و نه صرفاً توصیفی و تحلیلی است، از آن رو نظریه و عمل برنامه‌ریزی همواره در یک میان

^۱ Amitai Etzioni

- این رهیافت به لزوم و نیاز به وجود اطلاعات لازم برای سنجش امکان‌پذیری اجرای گزینه‌ها اشاره می‌کند.
- این رهیافت از یک سو به گام‌های لازم در تصمیم‌گیری و از سوی دیگر به تعهد در تخصیص منابع، هنگام تنظیم برنامه‌های عملیاتی و یا پروگرام‌ها، اشاره دارد.
- این رهیافت نیاز به پسخوراند را در مرحله اجرای برنامه، مطرح می‌کند.
- این رهیافت نیاز به بازبینی و فرابینی اهداف و گزینه‌ها و به هنگام کردن آن‌ها را مطرح می‌کند.
- این رهیافت نیاز به کارگیری برنامه مناسب کل فرآیند تصمیم‌گیری و بازبینی پیوسته آن را توصیه می‌کند. (فیض خواه و همکاران، ۱۳۹۶)

فرآیند تصمیم‌گیری در مدل مختلط

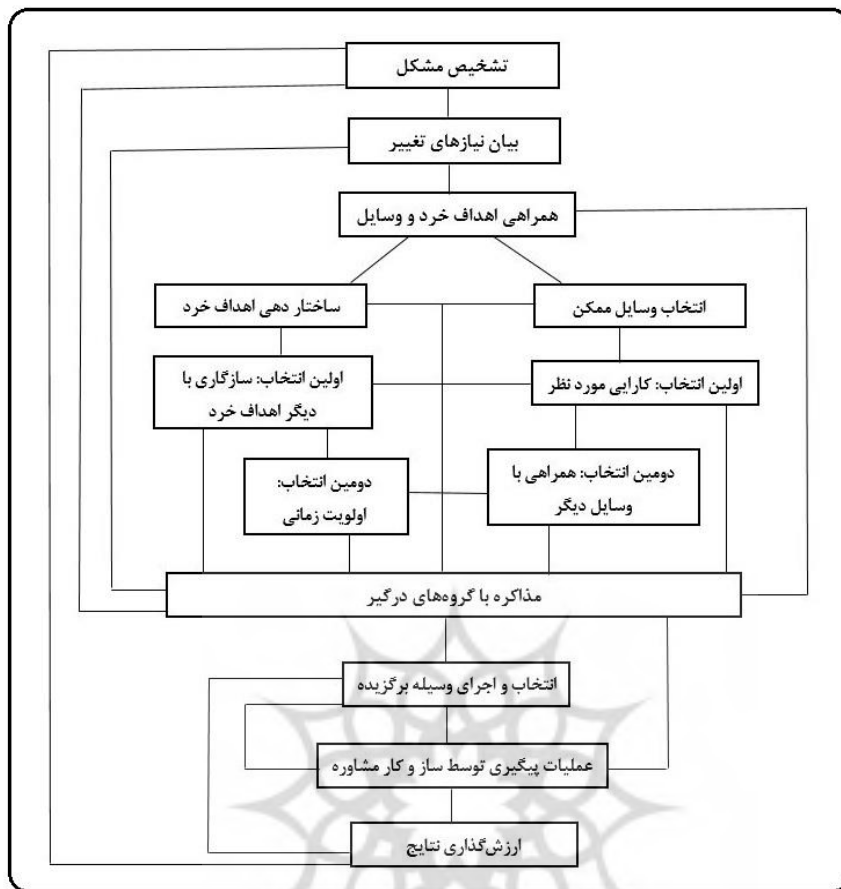
در سال ۱۹۹۹ باتود و ثمین با تاکید بر شیوه‌های ارتباطی، فرآیند کاربست این رهیافت را از نو ترسیم کردند. در این فرآیند پس از شناسایی وضع موجود و تشخیص مشکل، اهداف خرد که از راه‌حل‌های مشکلات ناشی می‌شوند، تنظیم و ساختاربندی شده و سپس وسایل دستیابی به اهداف تعیین و از طریق مذاکره با گروه‌ها و مشارکت افراد درگیر انتخاب می‌شود. (شکل ۱).

مجموعه‌ای از افزوده‌ها منجر به مشکلات عمیق‌تر شوند پویش جامع‌تری انجام می‌شود. پویش در فواصل زمانی منظم به دلایل مختلف ادامه می‌یابد از جمله خطری که در جریان پیش اولیه قابل مشاهده نبوده و پس از اجرا قابل مشاهده است و یا ممکن است چند گام جلوتر خود را نشان دهد، خطور هدف کلان یا راهبرد بهتری به ذهن و یا دستیابی به هدف برنامه‌ریزی که برنامه را از افزوده‌های بیشتر بی‌نیاز می‌سازد که در این صورت، به سراغ اهداف جدیدتر رفته و ختم پروژه اعلام می‌شود.

ویژگی‌های مدل مختلط

ویژگی‌های این رهیافت را می‌توان به صورت فشرده چنین بیان کرد:

- این رهیافت می‌تواند به سنجشی واقع‌گرایانه از رفتار انسانی منجر شود. چرا که به ویژگی‌های رفتار انسان توجه می‌کند، به طوری که پویش کلی عرصه مشکل در حد جزئیات پایین را با پویش در حد جزئیات بالای موضوعات انتخاب شده، می‌آمیزد.
- این رهیافت به ضرورت وجود گزینه‌های فراوان و در دسترس برای بررسی اشاره دارد و بنابراین همواره به فرایند کشف و یا تولید گزینه‌ها برای تصمیم‌گیری و یا برنامه‌ریزی راهبردی نیاز دارد.
- این رهیافت به فرآیند تنظیم اهداف مربوط بوده و علاوه بر ارزش‌های فرد تصمیم‌گیرنده، به ارزش‌های گروه‌های اصلی بهره‌مند و درگیر در فرایندهای تصمیم‌گیری و سایر گروه‌های درگیر نیز اشاره دارد.



شکل ۱. فرآیند تصمیم‌گیری در مدل مختلط (بوتد و ثمین، ۱۹۹۹)

۴- یافته‌های پژوهش

نقدی بر برنامه‌ریزی بر پایه مدل منطقی

در این نوع برنامه‌ریزی، اهداف و مقاصد برنامه‌ریزی را نمایندگان سیاسی و مدیران جامعه از قبل تعیین می‌کنند و خواست‌های شهروندان تاثیر چندانی در پیشنهادها و راهکارها ندارد. نتیجه عملی این نحوه نگرش به شهر تهیه و اجرای طرح‌های جامع و تفصیلی است که به شیوه ای کارکردگرایانه و یکسان، تمام حیات شهر را به عنوان مجموعه‌ای از افراد و فعالیت‌ها تعریف می‌کند، که می‌باید نوع و میزان مکان آنها را تعیین کرد. از این دیدگاه وظیفه شهرسازی و برنامه های شهری این است که به شیوه‌ای منطقی و آمرانه، با

برآورد نیازهای "متوسط" یا "حداقل" هر فرد به زمین (سرانه) و محاسبه آن بر اساس پیش‌بینی رشد جمعیت، سرنوشت تمام شهر و شهروندان را رقم زند. در چنین شرایطی هر شهروند فقط حق دارد در چارچوب ضوابط و سرانه‌هایی که برایش در نظر گرفته شده، از مواهب زندگی شهری بهره‌مند شود. در بستر این فرآیند است که شهرسازی به ابزار انقیاد و کارگزار قدرتمندان و زمین داران تبدیل می‌شود و برنامه‌ریزان با وجود نیت نیک و آرمانی خود در جایگاه دشمنان شهر قرار می‌گیرند و عامه مردم نیز به برنامه‌ستیزی و قانون‌گریزی روی می‌آورند (مهدی زاده، ۱۳۸۵). همچنین به نظر می‌رسد که برنامه‌ریزان همواره از اینکه

زاده، ۱۳۸۶). تکثر منافع بدین صورت که هر منفعت یا ارزشی، دیدبان خود را داشته باشد، از نظر لیندبلوم پیامدهای مهمی دارد. اول اینکه هرگونه دسته بندی اهداف را غیرممکن می سازد و دوم اینکه "تعدیل متقابل" بین ادعاهای رقیب به ارزشی برای تغییرات اندک افزا منجر می شود که در خدمت طیف وسیع تری از منافع قرار دارد تا اینکه بتواند از طریق رویکردهای جامع متمرکز شده به سیاستگذاری دست یابد. تحلیل لیندبلوم مفهوم منفعت عمومی را تضعیف کرد و در واقع سایر دانشمندان علوم سیاسی در دهه ی ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، عمدتاً به دلیل اینکه فکر میکردند که به عنوان یک ابزار تیبینی ارزشی ندارد یا اینکه نمیتوانست به عنوان هنجاری عملیاتی عمل کند، نگاهی خصمانه به مفهوم منفعت عمومی داشتند (Campbell et al., 2002). همچنین بیان میکند که رهبران سیاسی، آنگونه که در مدل منطقی مورد نیاز است، نمیتوانند بر روی اهداف به توافق برسند و ترجیح میدهند که سیاست ها و اهداف را در یک زمان انتخاب کنند (Stiftel, 2000).

اندک افزایی این برداشت را که "نهادها می توانند آگاهانه سیاست ها را در راستای بیان منفعت عمومی تدوین کنند"، مردود می داند. به عبارت دیگر اندک افزایی، نظریه چگونگی تنظیم سیاست (خط مشی) های عمومی در درون حکومت است. بنابراین به ناگزیر در تعریف پیشگفته تناقضی در مورد اندازه گیری منفعت عمومی در درون نهادهایی که به تولید سیاست (خط مشی) می پردازند، مشاهده می شود. همچنین بنا بر تفکر اندک افزا، هر شرکت کننده یا سهم گذار در هر جامعه بازار، مزایا را به نسبت سهم یا فداکاری خود به دست می آورد. بنابراین در اندک افزایی، شرکت کنندگان در "بازار تصمیم"، منفعت ها را برابر با کوشش و شدتی که منفعت خود را پیگیری می کنند، به دست می آورند. اما آن دسته افرادی که کندتر

نمی توانند رهبران سیاسی را وادار کنند تا بر اساس تحلیل هایشان عمل کنند، شکایت دارند. آنها معمولاً مجبورند برای سازمان ها یا موکلانی که با آنها موافق نیستند، کار کنند و معمولاً به اجبار می بایست بین صداقت و امرار معاش یکی را انتخاب کنند؛ گرچه می خواهند برنامه ریزی جامع بر اساس منفعت عموم انجام دهند اما اغلب و به تدریج برای آنچه سازمان شان (مسکن، حمل نقل یا توسعه اجتماعی) می خواهد کار می کنند (Innes, 2000). در چنین چارچوبی، برنامه ریزی چنین تعریف می شود: "تدبیر برنامه ای که هرگونه توسعه (کالبدی) که مصرف کننده زمین باشد را در نظر گیرد و بتواند منافع کلی ناشی از آن توسعه را بیشینه نموده و تدارک لازم جهت اجرای برنامه را در نظر گیرد." بنابراین در این رهیافت، برنامه ریز خود را پاسدار منافع عمومی می داند، هرچند با توجه به محدودیت های این رهیافت میزان پاسداری از منافع عمومی در کشورهای مختلف، نه فقط نسبی بلکه به نوعی غیر عملی است (مهدی زاده، ۱۳۸۵).

نقدی مفهومی و تجربی از افزون گرایی

رهیافت اندک افزا با نام اندک افزایی گسسته نیز مطرح شده است؛ اصطلاح گسسته نشان دهنده تصور پیروان تفکر اندک افزا از جامعه همچون یک جمع رقیب از افراد و گروه ها است. مدل مورد نظر همچون بازاری است که در آن بسیاری از تصمیم های کوچک با توجه به بیشینه کردن منفعت فردی گرفته می شود، با این ادعا که این امر منجر به دستاوردهایی می شود که در بلندمدت به نفع همگان خواهد بود. چنین تصویری از جامعه، اصل مرکزی اندک افزایی گسسته است. اندک افزایی در پی محدود کردن دامنه تصمیم گیری عقلانی مبتنی بر اهداف، گزینه یابی و بررسی گزینه ها از سوی گروه ها است. در جامعه مورد نظر اندک افزایان، هیچ تصمیم گیرنده کلانی که به انتخاب های اساسی دست بزند وجود ندارد زیرا چنین جامعه ای اتم باور به شمار میرود (مهدی

مطالعات اسنادی انجام گرفته، به اختصار به شرح زیر است (شریف زادگان و همکاران، ۱۳۹۳):

۱- رهیافت پویا مختلط در قالب ساختار اقتصاد سیاسی و ساختار برنامه ریزی

- ساختار برنامه ریزی جمع‌گرا در عین کثرت‌گرایی
- مناسب‌کلیه سیستم‌های اقتصاد سیاسی

۲- واقع‌گرایی نسبت به عوامل ساختاری

توجه به مهیا بودن منابع:

- ملزومات کمتر از عقل‌گرایی و بیشتر از اندک‌افزایی

نگرش نسبت به محیط تصمیم و توانایی

عمل در مواجهه با قیود و نامعلومی‌ها:

- انعطاف‌پذیری در برابر پیچیدگی‌های محیط و تغییرات بزرگ محیطی از طریق تعیین سطوح مختلف پویا و تاکید بر بازخورد اجرای برنامه

نگرش نسبت به ظرفیت تصمیم‌گیرنده

و کنشگران اجرایی:

- در نظر گرفتن تصمیم‌گیرنده به عنوان موجودی با عقلانیت محدود و قابلیت ایجاد هم‌رایی

نگرش نسبت به نابرابری‌های قدرت:

- توجه به وضعیت کنش‌گران و روابط میان آنان در تعیین سطح پویا

۳- در برگیرندگی موضوعات پخشایشی

رفتار می‌کنند از اثرگذاری برآیندها و پیامدهای سیاستگذاری کنار گذاشته نمی‌شوند زیرا به سبک تفکر چندگانه باور، آنها می‌توانند با شرکت‌پسین خود کوشش نمایند تا در دستیابی به منفعت خود اثری اندک بر سیاست (خط‌مشی)‌ها بگذارند. حال، آنها می‌گویند که در فرآیند تصمیم‌گیری شرکت نمی‌کنند را یا باید بی‌احساس و بی‌تفاوت و یا خشنود از تصمیم‌هایی که دیگران برای آنها می‌گیرند، به شمار آورد. در چنین حالتی این افراد می‌توانند انتظار داشته باشند که اگر در فرآیند تصمیم‌گیری شرکت می‌کردند، بهره‌لازم را می‌بردند (عبدی دانشپور، ۱۳۸۷).

مزایا و قابلیت‌های رهیافت پویا مختلط

پس از تعیین تصمیم‌های پایه و اندک‌افزا، وظیفه برنامه‌ریز انگیزش‌مناظره و گفت‌وگو در مورد امور شهری است. پیروان این رهیافت معتقدند که از این راه می‌توان به گسترش "اختیارها" و افزایش "فرصت‌ها" دست یافت. به منظور دستیابی به این گونه اهداف در برنامه ریزی عملیات فنی به کار می‌رود تا نه فقط درک از فرآیندهای شهری افزایش یابد، بلکه مشکلات برنامه ریزی مشخص و روشن شوند، اختیارها، کشمکش‌ها و ناسازگاری‌ها در سیاست مشخص شوند و به گونه‌ای هدفمند، پیامدهای راهبردهای گزینه، مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرند. چنین کارهایی نه فقط با در اختیار داشتن اطلاعات و با درک کامل و گفت‌وگو در مورد ارزش‌ها، بلکه بر مبنای این فرض پایه نیز قرار دارد که برنامه ریزی یک فرآیند قابل "هدایت و مهار" است که توان "اصلاح و پالایش" سیاست‌های تصمیم‌گیری شده در طی زمان را دارد. (عبدی دانشپور، ۱۳۸۷).

تشخیص الزامات و توانمندی‌های رهیافت پویا مختلط حاصل از مقایسه ویژگی‌های این رهیافت با دو رهیافت پیشین در هشت مقوله اصلی و برآمده از

عنوان بخشی از فرآیند برنامه:

- واقعی بودن اهداف و تدوین آن به

عنوان بخشی از فرآیند برنامه ریزی

توجه به بستر تهیه و زمینه عمل برنامه:

- تاکید بر بستر زمینه گرایی و نفی

الگوی واحد، قطعی و فراگیر در

تهیه برنامه ها

۷- برقراری رابطه بین مقصد و وسیله

- نگاه هم زمان به وسایل و اهداف

- نگاه به تصمیم گیری به عنوان

تحلیل مقصد_وسیله، تعیین مقصد

و سپس جستجوی ابزارها

- نگاه به برنامه ریزی به عنوان

بخشی از فرآیند تصمیم گیری

۸- آینده نگری، حرکت های ریشه ای و توانایی

اعمال اصلاحات بزرگ:

- آرمان گرایی همزمان با محافظه کاری

و واقع گرایی با چارچوب های مرجع

هماهنگ کننده

۶- نتیجه گیری و پیشنهاد

علی رغم تحولات و پیشرفت گسترده در زمینه های،

اقتصادی، اجتماعی، تکنولوژی ... در کشور؛ و افزایش

سطح دانش و آگاهی به مدد این تحولات، رویه

برنامه ریزی توسعه برای شهرها تغییر چندانی نکرده

است و طرح های توسعه شهری همچنان از روش هایی

استفاده می کند که علاوه بر صرف هزینه های بسیار، به

کارکرد مدنظر هم منتج نمی شوند. برای جلوگیری از

هدر رفت هزینه های مختلف برنامه ریزی و یافتن

راهکاری که بیشترین کارایی را داراست، نیاز به بازنگری

جدی در رویکردهای مورد استفاده داریم. استراتژی

مورد استفاده در برنامه ریزی شهری تاثیر مستقیمی بر

کارایی طرح و دستیابی هرچه بیشتر به اهداف دارد و

- توجه به موضوعت پخشایشی و

سودمندی نهایی ناشی از تاکید بر

بهینگی ناشی از هم رایبی

- نیت تامین منافع جمعی در عین

منافع فردی (کارآمدی ناشی از هم

رایبی)

۴- نقش واگذار شده به تصمیم ساز

- برنامه ریز به عنوان متخصص و

میانجی گر در ایجاد هم رایبی

۵- عمل گرایی و توجه به اجرا

گزینشی بودن موضوعات / جامعیت:

- درمان گرایی به دلیل تحدید

جزئیات مورد نیاز تصمیم های

اساسی بیش از عقل گرایی و کمتر

از اندک افزایی

- توجه به موضوعات کلیدی

هم سازی و برقراری ارتباط میان

تصمیم سازی و اجرا:

- تاکید بر هم سازی میان برنامه و

اجرا از طریق ایجاد ساز و کارهای

کاهش ناهمسازی نیت و برون داد

برنامه (جور گشت مداوم برنامه و

عمل)

سطح مداخله:

- تاکید بر سیاست گذاری و تولید

پروگرامدر چارچوب سطوح

راهبردی

امکان سنجی اجرا:

- انجام امکان سنجی اجرای برنامه ها

۶- مشکل گرایی

درگیری با تعیین مشکل و هدف به

جامعیت و کلان‌نگری مدل عقلایی در پی حل مسائل اساسی توسعه و برنامه‌ریزی شهری و همچنین دریافتن فرصت‌های آتی است. مناسب‌ترین رهیافت برای انواع برنامه‌ریزی توسعه در شهرها به‌شمار می‌آید. از سوی دیگر این رهیافت با پوشش برخی عناصر مدل اندک افزا، برنامه‌ریزی اجرایی، اهداف مشخص و عینی و قابل دسترسی را اتخاذ و ممکن می‌سازد. با دارا بودن این انعطاف و واقع‌گرایی برنامه‌ریزی پوشش مختلط در طول دوران نشان داده که در کارکردهای مختلف توانسته خود را با شرایط جدید وفق دهد؛ همچنان که کارایی خود را در پاسخگویی به مشکلات حفظ می‌کند، کما اینکه در بسیاری کشورهای دنیا برای برنامه‌ریزی ازین رهیافت استفاده می‌شود. بررسی الزامات و امکانات اجرای صحیح رهیافت پوشش مختلط، گویای مناسبت این رهیافت جهت جایگزینی و استفاده در برنامه‌ریزی شهرهاست. لذا با تمام آنچه رفت، نیاز است تا برنامه‌ریزان همچنان که تاثیرگذاری این رهیافت را در نمونه‌های با مقیاس کوچک می‌آزمایند، بسترسازی لازم را برای عملیاتی شدن روش‌های نوین فراهم کنند.

نادرست رهیافت در مرحله تصمیم‌سازی باشد، حتی با وجود دقت کافی در مراحل اجرای طرح، به نتایج مطلوب دست نمی‌یابیم. با نگاهی گذرا به نتایج اجرای برنامه‌ریزی‌های شهری، نیاز به تغییر روش در رویکردهای سنتی مورد استفاده، آشکار خواهد بود.

از سویی توجه به گرایش به توسعه و پیشرفت روزافزون در کشور، ضرورت اتخاذ تصمیمات اساسی و بلندمدت و برخورداری از برنامه‌ای که بتواند دیدی واضح و کلان از آینده ارائه دهد را آشکار می‌سازد.

برنامه‌ریزی جامع و عقلایی به طور کامل دست‌نیافتنی است، ناکارآمدی طرح‌های توسعه شهری گذشته مبتنی بر رهیافت‌های سنتی (عقلایی) و روی آوردن برخی تصمیم‌سازان به رویکرد دوم، نشان از ملموس بودن نیاز به تغییر در شیوه انجام این طرح‌ها است. حال آنکه رویکرد دوم هم به لحاظ محدودیتی که در تدوین سیاست‌ها و گزینه‌ها دارد، از ارائه دیدی واقعی و وسیع از آینده بی‌بهره است. این روش هرگز به عنوان گزینه‌ای واقعی در برابر برنامه‌ریزی جامع و عقلایی پذیرفته نشد. هم‌چنان که، ایده برنامه‌ریزی جامع نیز به طور کلی ترک نشد.

رهیافت پوشش مختلط با دربر داشتن عناصری از

۷- منابع

- 1- Ben-Zadok, Efraim (1985), National planning _the critical neglected link: one hundred years of Jewish settlement in Israel, International Journal of Middle East Studies, 17(3) : 329-345.
- 2- Campbell, S., Fainstein, S. Reading in Planning Theory. Cambridge, Blackwell Publisher plan, 1996.
- 3- Chadwick, George, (1971), a system view of planning, towards a theory of the urban and regional planning process, Pergamon press, Oxford.
- 4- Etzioni, Amitai, (1967), Mixed scanning: a third approach to decision making, Public administration review, 27(5): 358- 392.
- 5- Etzioni, Amitai, (1986), Mixed Scanning Revisited, Public administration review, 46(1):8-14.
- 6- Friedmann, John, (1973), Retracking America: a theory of transactive planning, Anchor Press, Norwell .
- 7- Grabow, Stephen, & Heskin, Allan, (1973): Foundations for a Radical Concept of Planning, Journal of the American Institute of Planners, 39:2: .106-114
- 8- Rosenhead, Jonathan, (1980). Planning under uncertainty: the inflexibility of methodologies, Journal of the operational research society, .209-216 ,(5)35
- 9- Innes, J. Network Power in Collaborative Planning, Center for Collaborative Policy, California.
- 10- Stiffler, B. Planning Theory, The National AICP Examination preparation Course Guidebook, 2000, 16-4.

- ۱۱- اسدی، ا، سعیدنیا، ا. (۱۳۸۹) نظریه های برنامه ریزی و زمینه های شکل دهنده ی آنها: از اوایل قرن بیستم تا اواسط دهه ۱۹۷۰، نامه معماری و شهرسازی، دوره ۲، شماره ۴، ۱۰۳-۱۱۹.
- ۱۲- حبیب اللهیان، جلیل (۱۳۸۵)، ارزیابی فرآیند برنامه‌های جامع و تفصیلی تهران، نشریه علمی پژوهشی مرکز اطلاعات جغرافیایی شهر تهران، سال ششم، صص ۳۵-۵۰.
- ۱۳- دانشپور، زهره (۱۳۸۷)، درآمدی بر نظریه های برنامه ریزی با تاکید ویژه بر برنامه ریزی شهری، چاپ اول، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ۱۴- رئیس دانا، فریبرز (۱۳۸۸)، دگرسازی یا بازسازی طرح های جامع، ویژه نامه نهاد برنامه ریزی توسعه شهری تهران، مجله تخصصی هنر، محیط، منظر، شهر، معماری، شماره چهار، بهمن ماه، صص ۳۰-۳۸.
- ۱۵- شریف زادگان، م، ندایی طوسی، س. سنجش قابلیت به کارگیری رهیافت نظری برنامه ریزی پویش مختلط در سیستم برنامه ریزی توسعه شهری ایران، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۱۹، شماره ۲، ۳۹-۵۴ (۱۳۹۳).
- ۱۶- قاضی طباطبایی، محمود؛ و دادهیر، ابوعلی (۱۳۸۹)، فراتحلیل در پژوهشهای اجتماعی و رفتاری، چاپ اول، جامعه‌شناسان، تهران.
- ۱۷- مهدی زاده، ج. تحول در پارادایمهای شهرسازی، جستارهای شهرسازی، شماره ۱۵ و ۱۶، ۶-۲۴ (۱۳۸۵).
- ۱۸- فیض خواه، و. مقتدر گیلوایی، ح. (۱۳۹۶). رهیافتپویش مختلط، رهیافتی مناسب برای شرایط ایران و نقش برنامه ریزان. سومین همایش ملی و بین المللی معماری، عمران و شهرسازی در آغاز هزاره سوم. شهریور ۱۳۹۶. تهران.



نحوه ارجاع به این مقاله:

نجارصادقی، مهسا؛ ماجدی، حمید. (۱۳۹۸). مناسبت سنجی رهیافت نظری پویش مختلط به عنوان رهیافت جایگزین در برنامه ریزی شهرها، شهرسازی ایران، ۲ (۳)، ۲۴-۳۶.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Iranian Urbanism Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

URL: <https://www.shahrsaziiran.com/1398-2-3-article4/>